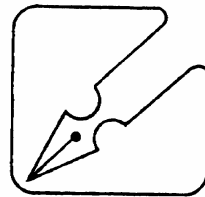




۱

سرمقاله



یک ضرورت

در نیمه دوم قرن هیجدهم انقلاب صنعتی از انگلستان آغاز و به سرعت در اوایل قرن نوزدهم به سایر کشورهای اروپائی خصوصاً آلمان، فرانسه و هلند گسترش پیدا کرد. در آن دوره تحولات تدریجاً باعث دگرگونی عمیق در شرایط زندگی مردم گردید. از جمله

دازی / سال دوم / شماره ۹ / مهر ۷۰ / صفحه ۳

تغییرات تأسیس و فعالیت کارخانه‌های مختلف یکی بعد از دیگری می‌باشد. با افزایش امکانات علمی و صنعتی تحول در روند بازار مصرف محقق و لاجرم افزایش تولیدات اجتناب‌ناپذیر شد. طب سنتی نیز بنوبه خود در جامعه اروپا دستخوش تغییر گردید و بتدریج مصرف بعضی از آلکالوئیدها و گلیکوزیدهای استخراجی از گیاهان داروئی ارزش درمانی بالائی را کسب نمود. در آلمان، داروسازی بنام هنریخ ای‌مرک (۱۸۰۰ - ۱۷۹۴) اولین کارخانه داروسازی را برای تولید انبوه کوکائین و مورفین به سال ۱۸۲۷ تأسیس نمود. با رشد فارماکولوژی و استفاده از مواد شیمیائی سنتتیک بتدریج تأسیس کارخانجات مدرن داروسازی خصوصاً در منطقه باواریا و قسمت آلمانی سوئیس آغاز گردید. بهر حال عامل اصلی راهاندازی کارخانجات قطعاً استفاده مطلوب از تئوریا و تجربیات حاصل از علم شیمی و فیزیک و همکاری تنگاتنگ و نزدیک دانشگاهها در آن زمان بوده است. البته فعالیت و پیشرفت صنایع نساجی انگلستان و آلمان در نیمه دوم قرن هیجدهم بتدریج مشکلات و نیازهای فوق‌العاده خاصی را باعث شده بود. که در جهت حل مسائل مربوط به صنایع نساجی از جمله تهیه رنگهای سنتتیک ویلیام پرکین در سال ۱۸۵۶ کینین را تهیه و شرکت بایر آلمان برای تولید آنیلین در ۱۸۶۳ تأسیس گردید. بدنبال آن شرکت هوخست با هدف تهیه و تحقیق برای تولید رنگهای مختلف شروع به فعالیت نمود. کشف سالیسیک اسید و کلروفورم و بدنبال آن

استانلید در سال ۱۸۶۸ و فناستین در ۱۸۸۷ (بایر آنرا ثبت و در بازار عرضه کرد) را میتوان شروع فعالیت‌های داروسازی امروزه بشمار آورد. در سال ۱۸۹۰ مطالعه مجدد در مورد استیل سالیسیک اسید (این دارو در سال ۱۸۵۹ کشف شده بود) شروع و به سال ۱۸۹۹، شرکت بایر آنرا بنام آسپرین معرفی نمود. با عرضه آسپرین در بازار و مشخص شدن ارزش ضد درد و تب آنتی‌پیرین در اپیدمی سال ۱۸۹۰ برلین تحقیقات وسیع در صنایع آنروز داروسازی سرعت و شدت پیدا کرده و شرکت هوخست پیرامیدون را در بازار عرضه نمود. بتدریج بهرینگر، شرینگ آلمان و در سوئیس شرکت سیبا (تأسیس شده در سال ۱۸۵۲ برای تولید فوشین) به سال ۱۸۸۴ و گایگی در سال ۱۸۸۴، ساندوز ۱۹۱۷ و در سال ۱۸۹۴ هوفمان لاروش فعالیت تولید محصولات داروئی را آغاز کردند.

در انگلستان آلن هانبوریز، باروز و لکام، گلاکسو و در آمریکا اس کاف، وارنر لمبرت، آیجان، ابوت، وایت، فایزر و اسکویپ نامهای آشنائی هستند که به ترتیب شروع به کار نمودند. غالب شرکتهای داروسازی خصوصاً شرکتهای آلمانی و سوئیسی با فعالیت تولید مواد شیمیائی کار صنعتی را شروع نموده و بتدریج خطوط تولید خود را تغییر و بخش داروسازی را ایجاد نمودند. این شرکتهای با تحقیقات علمی وسیع و گسترش سرمایه‌گذاری و دستیابی به بازارهای بین‌المللی جایگاه قوی اقتصادی را کسب و با تبلیغات و توان علمی

فوق العاده بالا در عرصه تجارت دارو به قدرتهای مطلقه تبدیل شدند. صنعت داروسازی در ایران حدود یکصد سال بعد از تأسیس اولین کارخانه داروسازی در آلمان به سال ۱۳۱۳ بانام شرکت گل بمنظور تولید تنظورها و امولسیونها تأسیس شد ولی در سال ۱۳۲۰ با آغاز جنگ جهانی دوم ورود دارو به ایران قطع و همین امر باعث شروع فعالیت لابراتوارهای متعدد داروئی گردید که از آنجمله میتوان لابراتوارهای هور، دکتر عبیدی، ویرا، توتال، فارما و... را نام برد. این لابراتوارها با تولید شربت، حب، بسته گرد و قرص سازی دستی و نیمه اتوماتیک فعالیت میکردند و همانطور که پیش بینی میشد با تأسیس شرکتهای داروسازی چندملیتی و شرکتهای تولید دارو و داروپخش که قسمتی از داروهای تولیدی آنها تحت لیسانس کمپانیهای چندملیتی بود بمرور از صحنه رقابت خارج و عملاً صنایع ملی داروسازی به دلایل علمی، اقتصادی و سیاسی عقب نگه داشته شده و عنان اختیار بازار داروئی ایران در دست کمپانیهای چندملیتی قرار گرفت. البته این وضع تنها برای کشور ما ایجاد نشده بود بلکه به لحاظ توان علمی، تحقیقاتی و پشتوانه قوی صنعتی کمپانیهای بزرگ جهانی در بازار رقابت، غالب صنایع ملی داروسازی کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۷۰ کنار گذاشته شدند. خصوصاً اینکه شرکتهای داروسازی مستقل در کشورهای جهان سوم ناچار بودند مواد اولیه و کمکی و بسته بندی خود را نیز از طریق منابع رقیب خریداری و

وارد نمایند. با شروع انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران و با اجرای طرح ژنریک مجدداً زمینه برای رشد صنایع ملی مساعد گردید بطوریکه با اعزام مدیر به کمپانیهای چندملیتی تلاش برای تولید و خود کفائی داروئی در غیاب غولهای صنعتی و با حمایت قوی دولت صورت پذیرفت بگونه ای که در اولین سالهای اداره صنایع داروسازی با تغییر خطوط و تبیین سیاستهای داروئی و برنامه ریزی متمرکز تحولی عظیم با نصب و راه اندازی ماشین آلات فوق العاده مدرن در صنایع داروسازی بوقوع پیوست و در حقیقت این صنعت ضمن نیل سریع به بر آورد نیاز داخلی امکان بالقوه ای را برای تولید انبوه و صادرات بدست آورد. در طی ده سال گذشته صنایع داروسازی کشور با سرمایه گذاری و اداره دولت به رشد خود ادامه داده و در حال حاضر در مقام مقایسه از جمله بهترین و مجهزترین صنایع داروسازی در خاورمیانه می باشند.

اینک با توجه به شرایط جدید اقتصادی کشور و سیاست واگذاری سهام شرکتهای داروسازی تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران به بخش خصوصی موضوع تعدد، شرکتهای داروسازی و نوع مدیریت آینده آنها از جمله مسائلی است که میبایست بدان توجه خاص مبذول گردد زیرا طبق آخرین آمار از چهل و چهار شرکت تولید کننده دارو در سال ۱۳۶۸ به ترتیب ۳/۴۸ درصد تولید سهم ۱۷ شرکت داروسازی متعلق به سازمان صنایع ملی ایران، ۹/۱۶ درصد سهم چهار

شرکت تولیدی دولتی، ۱۸/۲ درصد سهم سه شرکت تولیدی وابسته به بنیاد ۱۵ خرداد، ۱۲/۳۸ درصد سهم مربوط به ۱۸ شرکت تولیدی متعلق به بخش خصوصی و ۴/۵ درصد سهم تولید نیز در مالکیت سایر ارگانها میباشد. اغلب شرکتهای کوچک داروسازی از امکانات بسیار محدودی برخوردار بوده و برای هماهنگی و مراعات حداقل ضوابط و استانداردهای کنترل کیفیت بناچار وسایل و تجهیزات بسیار زیادی را بکار گرفته اند و هزینه های روزافزونی را متحمل میگردند. ولی در هر حال توانائیهای اقتصادی و تحقیقاتی شرکتهای به هیچ وجه اجازه کارهای بزرگ را نمیدهد و گاهی قیمت تمام شده کالا برای لابراتوارهای کوچک بسیار بالا بوده و اگر رقابت سالمی در بازار بمرحله اجرا گذاشته شود معلوم نیست آینده شرکتهای کوچک به کجا خواهد انجامید. شاید یکی از علل موفقیت گروه داروئی سازمان صنایع ملی ایران در سالهای اخیر مدیریت متمرکز و قدرت اقتصادی قوی آن بوده است و همین قدرت است که باعث تأسیس لابراتوارهای جدید و سرمایه گذاریهای بزرگ در امر کارهای زیر بنائی شده و علی رغم دولتی بودن شرکتهای مزبور پرداختن به کیفیت، توسعه و تحقیق از السویت بالائی برخوردار بوده است. در نیمه دوم قرن نوزدهم خصوصاً در دو دهه گذشته با افزایش هزینه های تحقیقاتی مربوط به کشف داروهای جدید و هزینه های سنگین تبلیغات علمی، شرکتهای بزرگ داروسازی غرب بناچار ضمن هدایت

صحیح سرمایه گذاریها با خرید سهام دیگر در هم ادغام شده و غولهای بزرگ داروسازی را بوجود آورده اند که از جمله خرید و ادغام شرکتهای میتوان از ادغام شرکتهای سیبا، گایگی و زیما و شرکتهای واندر و ساندوز در سوئیس نام برد.

ادغام کمپانیهای متعدد در مجموعه شرکت سانوفی و رون پولن در فرانسه و ادغام اخیر شرکتهای بزرگی همچون اس کاف، ایپچام و ریتس نام برد. با اینکه خرید شرکتهای مختلف و ایجاد انحصارات عظیم صنعتی و تجاری برای قبضه کردن بازارهای جهانی علل اقتصادی و سیاسی مختلفی دارد ولی بد نیست اشاره کنیم که در شش ماهه اول سال ۱۹۹۱ میلادی طبق گزارش مؤسسه حسابرسی (مک لین توك) سرمایه گزاریهای مربوط به خرید یا ادغام شرکتهای در سطح جهانی به ۲۳/۳ میلیارد دلار بالغ شده است و این میزان نسبت به رقم ۶۴/۴ میلیارد دلار در دوره مشابه سال قبل ۶۴ درصد کاهش نشان میدهد.

لذا بدلیل ارتباط تنگاتنگ اقتصاد جهانی و

نزدیکی صنایع داروئی ایران با سایر صنایع خصوصاً در بازار صادرات، تغییر ساختار مالکیت و تبدیل گروه داروئی سازمان صنایع ملی ایران به شرکتهای کوچک داروسازی مجزا از هم نمونه ای است که بنوبه خود در خلاف جهت ساختار فعلی صنایع جهانی می نمایاند و بدیهی است که سازماندهی، راهبری شرکتهای کوچک از نظر سرمایه گذاری، رقابت سالم در بازار، آزادی عمل در کنار رقابت قوی خارجی

و در نهایت از نظر توسعه و تحقیق و مدیریت امری است بسیار مشکل و ناگفته پیداست که امکان رشد و توسعه صادرات در آینده محدود خواهد بود و اگر در صحنه داروسازی داخلی به کمپانیهای خارجی اجازه فعالیت داده شود نگرانی از آینده این مؤسسات کوچک اقتصادی بی دلیل نخواهد بود. با اینکه گاهی صحبت از مشکلات اداره شرکتهای بزرگ مطرح میگردد ولی ادغام شرکتهای داروسازی از نظر مدیریت و سرمایه گذاری و پرهیز از کارهای موازی دارای مزایای زیادی است که از آنجمله میتوان به:

- ۱- افزایش توان سرمایه گذاری
- ۲- قابلیت ارتباط مطلوب با نهادهای رسمی و تصمیم گیر کشور
- ۳- جلب مشارکت آسان مؤسسات معتبر جهانی
- ۴- استعداد تولید انبوه و شکستن قیمتها
- ۵- بالا رفتن توان رقابت در بازار داخلی و خارجی
- ۶- جلب اعتماد سیستم بانکی و سایر مؤسسات اعتباری
- ۷- تمرکز خدمات مشترك (خدمات مدیریت - تحقیقات و توسعه)
- ۸- کاهش هزینه ها و افزایش سودآوری شرکتهای از طریق انجام فعالیتهای بازرگانی و اقتصادی مشترك
- ۹- قابلیت مناسب حضور در بازار سهام
- ۱۰- رشد ظرفیت و توان حمایت از واحدهای دیگر در هنگام بحران

۱۱- تمرکز در برنامه ریزی و افزایش قدرت تصمیم گیری

۱۲- بهینه سازی پروسه توسعه و نوسازی شرکتهای، اشاره نمود. امید است مسئولین رده بالای صنعتی و داروسازی کشور همراه تغییر ساختار مالکیت شرکتهای و فروش سهام به دست اندرکاران داروسازی، عنایت کافی به این ضرورت مبذول فرمایند.

دکتر علی منتصری